

بازشناسی اخلاق بازسازی آرایه‌های معماری در جنوب غربی آسیا: مطالعه موردی میراث پسا- جنگ در ایران و سوریه

فاطمه علیمیرزایی 

دکترای حفاظت و مرمت و کارشناس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

کلیدواژگان:

اخلاق مرمت

بازسازی

آرایه‌های معماری

ایران فرهنگی

میراث جنگ‌زده

اصالت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

© ۲۰۲۵/۱۴۰۴ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

چکیده: این مقاله با به چالش کشیدن موضع منفی رایج در اسناد بین‌المللی حفاظت، به بررسی جایگاه اخلاقی بازسازی آرایه‌های تزئینی در بناهای تاریخی ایران فرهنگی می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که در بستر فرهنگی - اجتماعی این منطقه، بازسازی در شرایط خاص نه تنها مجاز، بلکه از نظر اخلاقی ضروری است. این پژوهش با اتخاذ رویکردی کیفی و روش مطالعه موردی چندگانه، پروژه‌های شاخص بازسازی در ایران (مسجد عتیق اصفهان، خانه امام جمعه تهران) و سوریه (پالمیرا، بازار حلب) را بررسی می‌کند. مبانی نظری تحقیق، ترکیبی از مباحث فلسفی اخلاق، اسناد بین‌المللی (مانند منشور ونیز) و اسناد منطقه‌ای (مانند منشور شارجه) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأکید صرف بر «اصالت مادی» در نظریه‌های مرسوم حفاظت برای مواجهه با میراث زنده و پویای ایران فرهنگی ناکافی است. بازسازی زمانی از پشتوانه اخلاقی برخوردار است که تداوم فرهنگی، کارکرد اجتماعی و خاطره جمعی را در کنار اصالت کالبدی مورد توجه قرار دهد. نمونه‌های موفق، بر اهمیت مشارکت جامعه محلی، به‌کارگیری فنون سنتی و مستندسازی شفاف در توجیه اخلاقی بازسازی تأکید دارند. در نتیجه، تدوین یک چارچوب اخلاقی بوم‌محور برای بازسازی در ایران فرهنگی که میان اصالت مادی و ضرورت‌های اجتماعی - فرهنگی توازن برقرار کند و بازسازی را به‌مثابه ابزاری برای تقویت تاب‌آوری فرهنگی و التیام جوامع پسا‌جنگ به رسمیت بشناسد، ضروری تشخیص داده شد. اصولی همچون «اصالت کارکرد»، «حق ارث فرهنگی» و «شفافیت در مستندسازی» می‌تواند راهنمای عمل این چارچوب باشد.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.549765.1007>

۱. مقدمه

منطقه ایران فرهنگی و جنوب غرب آسیا، به‌عنوان گهواره تمدن‌های کهن، از تراکم بالایی از میراث معماری برخوردار است که اغلب در بستر درگیری‌های مسلحانه، بلاپای طبیعی و توسعه شتابان شهری با آسیب‌های جبران‌ناپذیری مواجه شده‌اند. آرایه‌های تزئینی این بناها — از تزئینات شبستان مساجد ایران تا حجاری‌های سنگی پالمیرا — نه تنها بیانگر هنر و فنون پیشرفته بومی هستند، بلکه در زمره عناصر هویت‌ساز فرهنگی ملی به شمار می‌روند. با این حال، رویکردهای مرسوم در حفاظت بین‌المللی، عمدتاً متأثر از مبانی نظری غربی که بر محوریت «اصالت مادی» استوار است، با چالش‌های عملی در مواجهه با این میراث منحصر به فرد روبه‌رو بوده‌اند (Al-Houdalieh & Jamal, 2025).

در بازه زمانی جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و نیز تهاجم گروه‌های افراطی مانند داعش به سوریه و عراق در دهه اخیر، شماری از برجسته‌ترین آثار معماری منطقه — از جمله مسجد عتیق اصفهان، معابد پالمیرا و بازار موصل — تخریب شده یا آسیب جدی دیدند (اشرفی و ابوی، ۱۴۰۳). این رویدادها پرسش‌های اخلاقی عمیقی را در مورد چگونگی مواجهه با این ویرانی‌ها به میان کشیدند: آیا باید این بناها به حالت آسیب‌دیده باقی بمانند؟ آیا بازسازی آن‌ها مجاز است؟ و اگر چنین است، این بازسازی باید تحت چه اصول و ضوابطی انجام شود؟

دیدگاه‌های سنتی در فلسفه حفاظت، به‌ویژه آن‌چه در منشور ونیز (۱۹۶۴) متبلور شده، معمولاً بازسازی را به دلایلی مانند کاهش اصالت، ایجاد ابهام تاریخی و احتمال بی‌احترامی به اثر اصلی به چالش می‌کشند (Jokilehto, 2017: 365-366). اما شرایط ویژه میراث در ایران فرهنگی، از جمله تداوم کاربری بناهای مذهبی، وابستگی معیشتی جوامع محلی به گردشگری و نقش نمادین این بناها در بازسازی هویت جمعی، لزوم بازنگری در این مواضع را ایجاب می‌کند (Munjeri, 2004; Harake, 2025).

این مقاله با پذیرش این پیش فرض که بازسازی در شرایطی خاص نه تنها جایز، بلکه ضروری است، در پی آن است که با تمرکز بر نمونه‌های عینی از ایران و سوریه، چارچوبی اخلاقی برای بازسازی آرایه‌های معماری در بستر فرهنگی ایران فرهنگی پیشنهاد کند. پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان بین اصالت اثر، نیازهای جامعه محلی و ارزش‌های نمادین یک بنای تاریخی آشتی برقرار کرد. در این مسیر، مقاله علاوه بر اسناد بین‌المللی، از رهنمودهای منطقه‌ای مانند منشور شارجه برای حفاظت از میراث معماری اسلامی (ICCRUM, 2023) نیز بهره خواهد برد.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

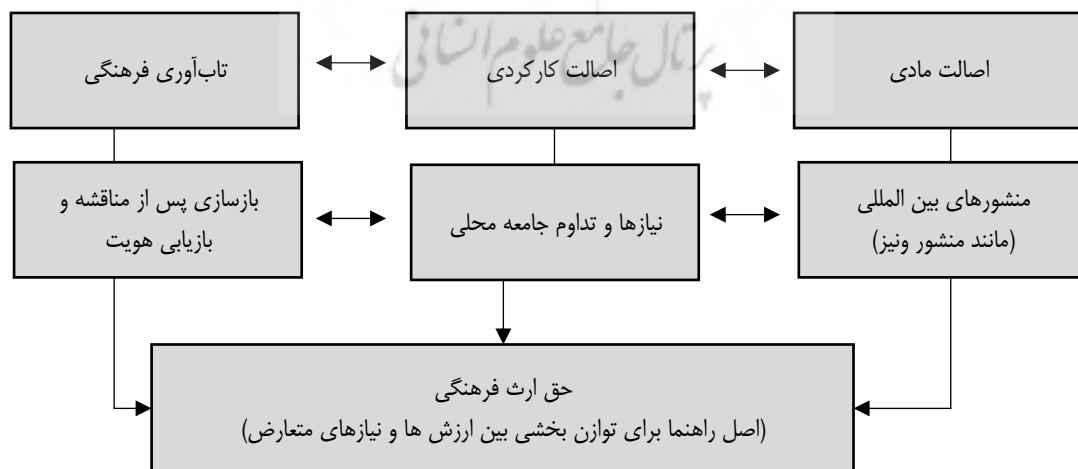
این پژوهش با بهره‌گیری از یک رهیافت تلفیقی و منطقه‌محور، در پی تدوین چارچوبی اخلاقی برای بازسازی آرایه‌های معماری در بستر ایران فرهنگی است. چارچوب نظری مقاله، علاوه بر استناد به مبانی ارزش محور حفاظت بین‌المللی (نظیر اصالت، یکپارچگی و احترام به ارزش‌های تاریخی)، بر مفاهیم بومی‌تر و مرتبط‌تری همچون «حق ارث فرهنگی»، تعادل جویی میان اصالت مادی و اصالت عملکرد (Al-Houdalich & Jamal, 2025) و «تاب‌آوری فرهنگی» تکیه دارد. این مفاهیم به‌ویژه در بافت‌های فرهنگی - مذهبی ایران فرهنگی که بناهای تاریخی اغلب کماکان در حال استفاده و زنده هستند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند.

در این راستا، مقاله از منشور شارجه برای حفاظت از میراث معماری اسلامی (ICCRUM, 2023) به‌عنوان سند مکمل منشور ونیز بهره می‌برد. این منشور با تأکید ویژه بر حفظ «روح مکان» و نقش اجتماعات محلی در فرآیند حفاظت، چارچوبی هنجاری - کاربردی برای مواجهه با چالش‌های خاص منطقه‌ای ارائه می‌دهد. همچنین، با الهام از آرای پژوهشگرانی چون ماتراورز و حراکه، «بازسازی» نه به‌مثابه یک اقدام جبرانی صرف، بلکه به‌عنوان فرآیندی تکامل‌گرا و هویت‌ساز در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به بازیابی پیوندهای اجتماعی - فرهنگی گسسته‌شده در پی جنگ و تخریب کمک کند (Harake, 2025 ; Matravers, 2019).

برای تبیین روابط بین این مفاهیم کلیدی، مدل مفهومی زیر پیشنهاد می‌شود: این مدل مبنایی روشن برای تحلیل مطالعات موردی و توجیه تصمیم‌گیری اخلاقی در پروژه‌های بازسازی فراهم می‌آورد. در بیان روابط بین مفاهیم کلیدی مطرح شده، بین حفظ اصالت فیزیکی و حفظ قابلیت کارکردی، رابطه‌ای پویا و تاملی وجود دارد. در میراث زنده، این دو باید در تعادل با هم دیده شوند، نه اینکه یکی مطلقاً بر دیگری ارجحیت داشته باشد. همچنین، باید اشاره کرد که حفظ تداوم کارکردی، به تقویت هویت و شیوه‌های زندگی جامعه کمک می‌کند و از این طریق تاب‌آوری فرهنگی را به‌ویژه پس از ضربه‌های جمعی افزایش می‌دهد؛ و جامعه‌ای که از تاب‌آوری فرهنگی برخوردار است، بهتر می‌تواند کارکردهای سنتی یک بنای میراثی را حفظ کرده و تداوم بخشد.

حق ارث فرهنگی به‌عنوان اصل اخلاقی فراگیر عمل می‌کند که میان این ارزش‌ها و نیازهای گاه متعارض (مانند تعارض اصالت مادی و کارکردی) میانجی‌گری کرده و استانداردهای بین‌المللی را با نیازهای محلی و فرآیندهای بازیابی پیوند می‌زند. این اصل توجیه می‌کند که چرا باید برای این تعادل چاره‌اندیشی کرد و آن را به‌عنوان حقی برای نسل‌های حاضر و آینده قلمداد می‌کند.

میتاق‌های بین‌المللی عمدتاً بر اصالت مادی متمرکزند، در حالی که نیازهای جامعه محلی مستقیماً بر ضرورت اصالت کارکردی، اثر می‌گذارند. هدف بازسازی و بازیابی پس از مناقشه نیز محرک کلیدی برای دنبال کردن تاب‌آوری فرهنگی است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش.

جدول ۱. مقایسه چارچوب‌های نظری حفاظت: رویکرد بین‌المللی در مقابل رویکرد بوم‌محور ایران فرهنگی.

مؤلفه/مفهوم	رویکرد بین‌المللی (مبتنی بر منشور ونیز)	رویکرد بوم‌محور پیشنهادی (ایران فرهنگی)
۱ مفهوم محوری اصالت	اصالت مادی	تلفیق اصالت مادی با اصالت کارکردی و معنوی
۲ نگرش به بازسازی	عموماً با احتیاط و به‌عنوان آخرین راه‌حل	به‌عنوان یک گزینه ضروری و اخلاقی در شرایط خاص
۳ تمرکز اصلی	خود اثر تاریخی (شیء - محور)	اثر تاریخی در بستر اجتماعی - فرهنگی زنده آن (مردم - محور)
۴ نقش جامعه محلی	ذی‌نفع	صاحب اثر و مشارکت‌کننده فعال
۵ هدف نهایی حفاظت	حفظ اثر برای نسل‌های آینده به‌عنوان سند تاریخی	حفظ تداوم فرهنگی و تقویت تاب‌آوری جامعه
۶ سند شاخص	منشور ونیز (۱۹۶۴)	منشور شارجه (۲۰۱۹)

۳. روش پژوهش

روش اصلی این پژوهش، تحلیل تطبیقی و توصیفی نمونه‌های عینی و نیز تحلیل محتوای کیفی متون نظری و اسناد حفاظتی است. این مطالعه با تمرکز بر روش‌شناسی چند موردی و انتخاب نمونه‌های شاخص از ایران (مسجد عتیق اصفهان، خانه امام جمعه تهران) و سوریه (پالمیرا، بازار حلب) انجام شده است. مبنای انتخاب‌ها، تشابه در سبک آرایه‌های معماری (استفاده از کاشی، گچ‌بری، حجاری سنگ)، همسانی در نوع تهدید (تخریب عمدی ناشی از جنگ) و تنوع در رویکردهای بازسازی به‌کاررفته بوده است.

داده‌های مورد نیاز بیشتر از طریق مطالعه اسناد کتابخانه‌ای (شامل متون تخصصی، گزارش‌های مرمتی، اسناد تصویری و نقشه‌ها) و در موارد معدودی مشاهدات میدانی (در موارد دسترس‌پذیر) و نیز بررسی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای (نظیر دستورالعمل‌های یونسکو و منشور شارجه) گردآوری شده‌اند.

در بررسی میدانی، از میان چهار مورد مطالعاتی با استفاده از یک چک‌لیست استاندارد شده، دو مورد در دسترس شامل مسجد عتیق و خانه امام جمعه از نظر کیفیت اجرای بازسازی، یکپارچگی بصری و تعامل کاربران با فضا مورد بررسی قرار گرفتند. این مشاهدات به‌صورت عکاسی مستند و یادداشت‌برداری میدانی ثبت گردید.

به موازات این بخش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با گروه‌های مختلف ذی‌نفع (شامل ۴ متخصص مرمت، ۲ معمار سنتی و ۲۰ عضو از جامعه محلی و کسبه) انجام شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه یافت و سپس با روش تحلیل مضمون، کدگذاری و تحلیل گردید. سپس، با استفاده از روش تحلیل مضمون، استدلال‌های موافق و مخالف بازسازی در چهارچوب مضامین اصلی زیر دسته‌بندی و ارزیابی شده‌اند.

- اصالت و یکپارچگی (با زیر مؤلفه‌های اصالت مادی، اصالت طرح و اصالت روحیه)؛

- اخلاق بازسازی و حقوق ذی‌نفعان (شامل جامعه محلی، متخصصان و نسل‌های آینده)؛

- تاب‌آوری فرهنگی و نقش بازسازی در تقویت هویت جمعی؛ و

- ملاحظات فنی - بوم‌گرا (استفاده از مصالح و فنون سنتی در برابر روش‌های مدرن).

به‌این ترتیب، مقاله حاضر می‌کوشد تا با عبور از نگاه تک‌بعدی به بازسازی و با در نظر گرفتن ابعاد چندگانه فرهنگی، اجتماعی و فنی، چارچوبی متوازن و منطبق با شرایط پیچیده میراث معماری در ایران فرهنگی ارائه دهد.

۴. انواع بازسازی و تأثیر آن بر ارزش بناهای تاریخی در ایران فرهنگی

بازسازی بناهای تاریخی در منطقه ایران فرهنگی، با توجه به تنوع فرهنگی، شرایط اقلیمی و پیچیدگی‌های سیاسی - اجتماعی، از رویکردهای متفاوتی تبعیت می‌کند. بررسی اخلاقی بازسازی مستلزم درک انواع مختلف آن و تأثیرات متفاوتی است که هر روش بر ارزش‌های یک بنای تاریخی می‌گذارد. در این بخش، شش گونه بازسازی که در پروژه‌های مرمت این منطقه قابل‌شناسایی هستند، معرفی و تأثیر هر یک بر ارزش‌های تاریخی - فرهنگی بناها با استناد به نمونه‌های عینی تحلیل می‌شوند.

۴.۱. بازسازی کامل

در این روش، بنای تاریخی به‌طور کامل و دقیق بر اساس شواهد و مدارک موجود بازسازی می‌شود. این نوع بازسازی معمولاً زمانی انجام می‌شود که بخش‌های زیادی از بنا تخریب شده باشد یا اطلاعات دقیقی از شکل اصلی بنا وجود داشته باشد (Jokilehto, 2017: 117).

تأثیر بر ارزش بنا:

- مثبت: بازسازی کامل می‌تواند به احیای هویت تاریخی و فرهنگی بنا کمک کند و آن را به‌عنوان یک اثر زنده و قابل استفاده حفظ نماید.

- منفی: اگر بازسازی بر اساس شواهد دقیق انجام نشود، ممکن است اصالت بنا را زیر سؤال ببرد و ارزش تاریخی آن را کاهش دهد (Lowenthal, 1985).

نمونه شاخص آن بازسازی مسجد امام علی در نجف پس از تخریب در دوره صدام است که با حفظ طرح و مصالح سنتی انجام شد. تأثیر این روش بر ارزش بنا دو وجهی است: از یکسو، احیای کالبد و هویت بصری بنا را به همراه دارد؛ از سوی دیگر، در صورت عدم دقت در اجرا، ممکن است به «موزه‌ای شدن» اثر و کاهش اصالت تجربه زیسته بیانجامد (Al-Houdalieh & Jamal, 2025). این روش با بیشترین خطر تحریف تاریخ و تبدیل اثر به یک شبیه‌سازی مدرن مواجه است. از منظر اخلاقی، پرسش اصلی این است: آیا بازسازی کامل، «تداوم» اثر تاریخی را حفظ می‌کند یا یک «شروع مجدد» است؟ در بافت ایران فرهنگی، این روش تنها زمانی قابل دفاع است که اثر از اهمیت نمادین و مذهبی عمیقی برخوردار باشد (مانند اماکن مقدس) و جامعه محلی خواستار احیای کامل آن باشد. موفقیت این روش به شدت وابسته به مهارت فوق‌العاده صنعتگران و استفاده از مصالح همسان است. در غیر این صورت، اثر به یک «ماکت» بزرگ و فاقد روح تاریخی بدل می‌شود.

۴.۲. بازسازی بخشی

در این روش، تنها بخش‌هایی از بنا که آسیب‌دیده یا از بین رفته‌اند، بازسازی می‌شوند. این روش معمولاً زمانی استفاده می‌شود که بخش‌هایی از بنا سالم مانده‌اند و نیاز به تکمیل دارند.

تأثیر بر ارزش بنا:

- مثبت: حفظ بخش‌های اصیل بنا و تکمیل آن‌ها می‌تواند به حفظ ارزش تاریخی و هنری بنا کمک کند. حفظ هماهنگی بصری و سازه‌ای بین بخش‌های قدیم و جدید است. استفاده از مصالح همگون و روش‌های سنتی می‌تواند به کاهش شکاف بین بخش‌های اصیل و بازسازی شده کمک کند (Feilden, 2007: 189; Harake, 2025).

- منفی: اگر بازسازی بخشی به درستی انجام نشود، ممکن است تعادل بین بخش‌های قدیمی و جدید را برهم بزند و اصالت بنا را خدشه‌دار کند (Stubbs, 2009: 13; Feilden, 2007: 76; Nakonieczna & Szczepański, 2024).

این رویکرد که بر اساس «اصل تداوم» عمل می‌کند، تلاش می‌نماید میان حفظ اصالت و تکمیل کالبدی اثر تعادل برقرار سازد. از منظر اخلاقی، این روش زمانی توجیه‌پذیر است که بخش‌های بازسازی شده به‌وضوح از بخش‌های اصیل قابل تشخیص باشند، اما در عین حال هماهنگی بصری کلی اثر را برهم نزنند.

مزایا:

- حفظ حداکثری اصالت مادی در بخش‌های سالم

- امکان خوانش تاریخچه اثر از طریق مقایسه بخش‌های قدیم و جدید

- هزینه کمتر نسبت به بازسازی کامل

- انعطاف‌پذیری بیشتر در انتخاب مصالح و روش‌ها

معایب:

- خطر ایجاد دوگانگی بصری اگر مصالح یا فن‌ها به درستی انتخاب نشوند

- امکان ایجاد تنش میان کهنگی و نو بودن

- نیازمند مهارت بسیار بالا در اجرا

ملاحظات اجرایی:

در بافت ایران فرهنگی، این روش برای بناهای مذهبی که بخشی از آن‌ها تخریب شده اما هسته اصلی سالم مانده است، بسیار مناسب است. موفقیت پروژه در گرو مطالعات دقیق پیش از اجرا و استفاده از صنعتگران محلی است.

۴.۳. بازسازی نمادین

در این روش، بخش‌هایی از بنا به‌صورت نمادین و بدون تلاش برای بازسازی دقیق، احیاء می‌شوند. این روش معمولاً برای انتقال مفهومی خاص یا یادبود یک رویداد تاریخی استفاده می‌شود.

تأثیر بر ارزش بنا:

- مثبت: بازسازی نمادین می‌تواند به‌عنوان یک ابزار آموزشی یا یادبودی عمل کند و ارزش فرهنگی بنا را افزایش دهد.

- منفی: این روش ممکن است اصالت بنا را کاهش دهد، زیرا بخش‌های بازسازی شده لزوماً با شکل اصلی بنا مطابقت ندارند (Petzet, 2004; Lowenthal, 1985).

نمونه آن بازسازی طاق نصرت پالمیرا با استفاده از فناوری چاپ سه‌بعدی است که بیشتر نقش یک بیانیه نمادین علیه تخریب داشت. اگرچه این روش ممکن است اصالت مادی را تحت‌الشعاع قرار دهد، اما در بافت‌های پسا جنگ می‌تواند به فرآیند التیام بخش روانی - اجتماعی جوامع محلی کمک کن (Bülow & Thomas, 2020). این روش بیش از آنکه یک اقدام حفاظتی باشد، یک بیانیه فرهنگی است. در بافت پسا جنگ ایران فرهنگی، این رویکرد می‌تواند به فرآیند التیام روانی جامعه کمک کند.

ملاحظات اجرایی:

این روش برای آثاری که ارزش نمادین بالایی دارند (مانند پالمیرا) مناسب است، اما باید به‌وضوح به‌عنوان یک اقدام نمادین معرفی شود و از ارائه آن به‌عنوان بازسازی تاریخی خودداری گردد.

۴.۴. بازسازی کاربردی

در این روش، بنا با هدف استفاده مجدد برای پاسخ به نیازهای معاصر، همراه با تغییراتی، بازسازی می‌شود. این نوع بازسازی معمولاً شامل تغییراتی در ساختار بنا برای تطبیق با نیازهای مدرن است.

تأثیر بر ارزش بنا:

- مثبت: بازسازی کاربردی می‌تواند به حفظ بنا به‌عنوان یک سازه زنده و مفید کمک کند و ارزش اقتصادی و اجتماعی آن را افزایش دهد.
- منفی: تغییرات کاربردی ممکن است اصالت تاریخی و معماری بنا را تحت تأثیر قرار دهند و ارزش تاریخی آن را کاهش دهند.
تبدیل کاروانسراهای تاریخی به هتل در ایران و ترکیه نمونه‌ای از این دست است. اگرچه این رویکرد به تداوم حیات بنا کمک می‌کند، اما تغییر کاربری ممکن است به ارزش‌های اصیل تاریخی - فضایی اثر آسیب بزند. موفقیت این روش منوط به طراحی حساس و احترام به شأن اثر است (ICOMOS, 2017).

این رویکرد بر اساس «اصل تداوم حیات» بناهای تاریخی عمل می‌کند. در ایران فرهنگی، جایی که بسیاری از بناهای تاریخی کماکان نقش اجتماعی - اقتصادی خود را حفظ کرده‌اند، این روش می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

مزایا:

- تضمین حفاظت پایدار از طریق ایجاد منفعت اقتصادی
 - احیای نقش اجتماعی بنا در جامعه معاصر
 - جذب منابع مالی برای نگهداری مستمر
- معایب:

- خطر کالایی شدن میراث فرهنگی
 - امکان تغییرات غیرقابل بازگشت در ساختار اثر
 - احتمال غالب شدن منافع اقتصادی بر ارزش‌های فرهنگی
- ملاحظات اجرایی:

انتخاب کاربری جدید باید با روح مکان و ارزش‌های تاریخی اثر همخوانی داشته باشد. برای مثال، تبدیل کاروانسرا به هتل می‌تواند منطبق بر کارکرد اولیه آن باشد.

۴.۵. بازسازی حفاظت‌محور

هدف این روش، تثبیت سازه و جلوگیری از تخریب بیشتر است، بدون آنکه مداخلات، چهره تاریخی بنا را دگرگون کند. این روش معمولاً شامل تثبیت ساختار و استفاده از مواد و روش‌های سازگار با بناهای تاریخی است.

تأثیر بر ارزش بنا:

مثبت: این روش به حفظ اصالت بنا و جلوگیری از تخریب بیشتر کمک می‌کند و ارزش تاریخی و فرهنگی بنا را حفظ می‌نماید.
منفی: اگر مواد و روش‌های استفاده‌شده با بنا سازگار نباشند، ممکن است به ساتار بنا آسیب برسانند (Ashurst et al., 1988; Forsyth, 2013: 159).
مرمت ارگ بم پس از زلزله سال ۱۳۸۲ (فلاحی و جلالی، ۱۳۹۲) نمونه‌ای از این رویکرد است. استفاده از مصالح سازگار و روش‌های غیرتهاجمی در این روش ضروری است (Nakoniczna & Szczepański, 2024). این روش متکی بر «اصل حداقل مداخله» است و آسیب‌ها را به‌عنوان بخشی از هویت اثر می‌پذیرد. این رویکرد از منظر اخلاق حفاظت، رویکردی محافظه‌کارانه و کم‌ریسک محسوب می‌شود.

مزایا:

- حفظ حداکثری اصالت مادی

- مستندسازی دقیق مراحل تخریب و حفاظت

- قابلیت بازگشت‌پذیری مداخلات

- هزینه نسبتاً پایین

معایب:

- عدم پاسخگویی به نیازهای کاربردی جامعه

- امکان از دست رفتن تدریجی اثر در بلندمدت

- نیاز به پایش و نگهداری مستمر

ملاحظات اجرایی:

این روش برای آثاری که در معرض خطر نابودی هستند اما مدارک کافی برای بازسازی کامل وجود ندارد، ایده آل است. استفاده از مصالح سازگار و روش‌های غیرتهاجمی در این روش ضروری است.

۴.۶. بازسازی تخیلی

در این روش، بخش‌هایی از بنا که اطلاعات کمی درباره آن‌ها وجود دارد، بر اساس حدس و گمان بازسازی می‌شوند. این روش معمولاً زمانی استفاده می‌شود که مدارک کافی برای بازسازی دقیق وجود ندارد؛ و البته تنها در موارد خاصی ممکن است کاربرد داشته باشد.

تأثیر بر ارزش بنا:

مثبت: این روش می‌تواند به بازسازی بخش‌های ناشناخته بنا کمک کند و ارزش بصری آن را افزایش دهد.

منفی: بازسازی تخیلی ممکن است اصالت بنا را زیر سؤال ببرد و ارزش تاریخی آن را کاهش دهد (Hosagrahar, 2012: 173; Choay, 2019).

این روش مرز بین حفاظت و آفرینش هنری را محو می‌کند و از این رو بحث‌برانگیزترین روش بازسازی محسوب می‌شود.

مزایا:

- کمک به درک بهتر عظمت گذشته

- پر کردن خلأهای بصری

- جذب گردشگر و توجه عمومی

معایب:

- خطر جعل تاریخ و ارائه تصویر نادرست

- کاهش اعتبار علمی اثر

- امکان گمراه کردن نسل‌های آینده

ملاحظات اجرایی:

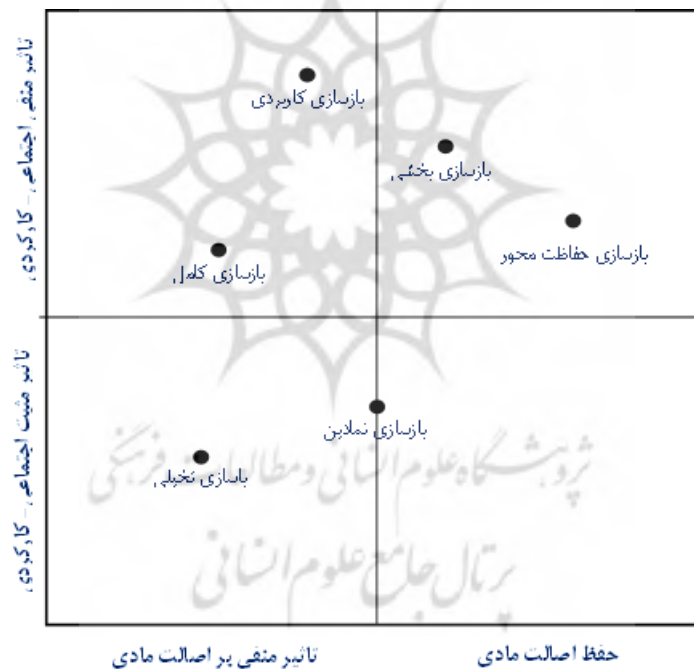
این روش تنها باید در موارد بسیار خاص و زمانی که هیچ مدرک مستندی در دسترس نیست، به کار رود. حتی در این صورت نیز باید به‌وضوح به‌عنوان یک فرضیه معرفی شود و از ارائه آن به‌عنوان بازسازی تاریخی خودداری گردد. بنابراین به‌طور کلی باید گفت که انتخاب هر روش بازسازی باید براساس ارزیابی دقیق ارزش‌های اثر، نیازهای جامعه محلی، مدارک موجود و توان فنی - مالی پروژه انجام شود. در بافت ایران فرهنگی، توجه به ابعاد معنوی و اجتماعی آثار در کنار اصالت مادی، کلید موفقیت پروژه‌های بازسازی است.

بنابراین، همان‌طور که از جدول بالا هم بر می‌آید، می‌توان گفت که انتخاب روش بازسازی مناسب برای یک بنای تاریخی به عوامل مختلفی از جمله میزان تخریب، مدارک موجود، هدف بازسازی و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بنا بستگی دارد. هر روش بازسازی تأثیرات متفاوتی بر ارزش بنا دارد و باید با دقت و با در نظر گرفتن اصول حفاظت از میراث فرهنگی انجام شود. بازسازی می‌تواند به حفظ و احیای بناهای تاریخی کمک کند، اما اگر به درستی انجام نشود، ممکن است اصالت و ارزش تاریخی بنا را کاهش دهد؛ بنابراین، تصمیم‌گیری در مورد بازسازی باید با مشارکت متخصصان حوزه میراث فرهنگی و با توجه به اصول اخلاقی و علمی انجام شود.

نمونه‌هایی مانند بازسازی بخش‌هایی از بازار حلب پس از جنگ، با تکیه بر تصاویر قدیمی و روایت‌های محلی، در این دسته جای می‌گیرند. ریسک اصلی این روش، تحریف تاریخ و ارائه تصویری نادقیق از اثر است (Choay, 2019). به‌طور کلی، انتخاب هر روش بازسازی در ایران فرهنگی باید با توجه به میزان اصالت باقی‌مانده، ارزش‌های نمادین بنا، نیازهای جامعه محلی و قابلیت‌های فنی - مادی انجام شود. آنچه در این منطقه حیاتی است، حفظ «تداوم معنایی» اثر در بافت فرهنگی - مذهبی آن است، نه صرفاً بازتولید کالبدی.

جدول ۲. گونه‌شناسی بازسازی و پیامدهای اخلاقی - حفاظتی آن در بستر ایران فرهنگی.

نوع بازسازی	شرایط مناسب کاربرد	فرصت‌ها (توجیه اخلاقی)	تهدیدها/ملاحظات اخلاقی
بازسازی کامل	مدارک کامل (نقشه، عکس) موجود باشد.	احیای کامل هویت بصری و کارکردی؛ التیام روانی شدید.	خطر «جعل تاریخ»؛ نادیده گرفتن لایه‌های تاریخی بعدی.
بازسازی بخشی	بخش‌های اصیل قابل تشخیص باشند.	حفظ حداکثر اصالت موجود؛ تکمیل یکپارچگی اثر.	ایجاد دوگانگی بین قدیم و جدید؛ نیاز به مهارت بسیار بالا.
بازسازی نمادین	اثر نمادین ملی/مذهبی باشد؛ مدارک ناقص است.	انتقال پیام مقاومت؛ هزینه و زمان کمتر.	گمراه‌سازی تاریخی؛ تقلیل اثر به یک «لوگو».
بازسازی کاربردی	نیاز به تداوم حیات اقتصادی - اجتماعی بنا باشد.	تضمین حفاظت پایدار از طریق ایجاد منفعت.	آسیب به ارزش‌های اصیل در صورت طراحی نامناسب.
بازسازی حفاظت محور	اثر در معرض خطر زوال سرید باشد.	نجات اثر برای نسل آینده؛ حداقل مداخله.	ممکن است برای جامعه محلی رضایت‌بخش نباشد.
بازسازی تخیلی	هیچ مدرک مستندی وجود ندارد.	پر کردن خلأ بصری؛ کمک به درک فضایی.	بالاترین خطر تحریف تاریخ و بی‌احترامی.



شکل ۲. ماتریس تحلیل ریسک و تأثیر انواع روش‌های بازسازی.

۵. ملاحظات اخلاقی بازسازی در بستر ایران فرهنگی: نقد و بازخوانی

بحث اخلاقی بازسازی در ایران فرهنگی، تنها به چالش‌های فنی یا حفاظتی محدود نمی‌شود، بلکه به دلیل نقش هویت‌ساز بناهای تاریخی و حساسیت‌های فرهنگی - مذهبی، ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد. در این بخش، سه استدلال عمده ضد بازسازی - کاهش ارزش، بی‌احترامی و گمراه‌سازی تاریخی - در پرتو شرایط ویژه منطقه‌ای مورد نقد و بازنگری قرار می‌گیرند.

- استدلال کاهش ارزش

منتقدان استدلال می‌کنند که بازسازی، ارزش اصیل اثر را کاهش می‌دهد؛ اما در بافت ایران فرهنگی، بسیاری از بناها - مانند مساجد و زیارتگاه‌ها - کماکان نقش کاربردی و معنوی خود را حفظ کرده‌اند؛ بنابراین، بازسازی نه تنها ارزش زیباشناختی اثر، بلکه ارزش اجتماعی - مذهبی آن را نیز

احیاء می‌کند (Harake, 2025). به‌عنوان مثال، بازسازی گنبد مسجد عتیق اصفهان، علاوه بر بازیابی یکپارچگی بصری، به تداوم حیات معنوی این مکان کمک کرد.

– استدلال بی‌احترامی

برخی معتقدند بازسازی نوعی بی‌احترامی به اثر اصلی و تاریخ آن است؛ اما در فرهنگ اسلامی، مفهوم «إعمار» (آبادانی) به‌عنوان یک وظیفه دینی و اخلاقی تلقی می‌شود. از این منظر، بازسازی برخی از بناهای تخریب‌شده، به‌ویژه اماکن مذهبی، می‌تواند عملی محترمانه و حتی واجب اخلاقی قلمداد شود (ICCROM, 2023). البته شرط آن است که این اقدام با مطالعه دقیق و رعایت اصول حفاظتی انجام شود.

– استدلال گمراه‌سازی تاریخی

نگرانی دیگر آن است که بازسازی ممکن است تصویری نادرست از تاریخ ارائه دهد. این نگرانی به‌خصوص در مورد بازسازی‌های تخیلی یا نمادین — مانند بازسازی طاق پالمیرا — موجّه است. با این حال، در رویکردهای مدرن حفاظت، «مستندنگاری دقیق مداخلات» و «شفافیت در اطلاع‌رسانی» به بازدیدکنندگان، می‌تواند این خطر را کاهش دهد. استفاده از پانل‌های توضیحی، تورهای مجازی و مستندات دیجیتال — مانند آنچه در پروژه دیجیتال‌سازی پالمیرا انجام شد — راهکاری برای حفظ صداقت تاریخی است (Khunti, 2018).

۶. ملاحظات افزوده برای ایران فرهنگی

علاوه بر سه استدلال فوق، در بستر ایران فرهنگی باید به دو ملاحظه اخلاقی دیگر نیز توجه شود:

– **حقوق جامعه محلی:** بازسازی باید با مشارکت فعال جامعه محلی و با احترام به خاطره جمعی و ارزش‌های بومی انجام شود. عدم توجه به این امر — مانند برخی پروژه‌های شتاب‌زده در عراق — می‌تواند به حاشیه‌سازی توسط مردم بیانجامد (Khalaf, 2021).

– **تاب‌آوری فرهنگی:** در مناطق جنگ‌زده، بازسازی می‌تواند به فرآیند التیام اجتماعی و تقویت هویت جمعی کمک کند؛ بنابراین، در چنین مواردی، بازسازی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت اخلاقی برای پشتیبانی از تاب‌آوری فرهنگی است (Matravers, 2019).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که اگرچه نگرانی‌های اخلاقی مربوط به بازسازی در ایران فرهنگی نیز جدی هستند، اما در بسیاری از موارد، تقدم ارزش‌های اجتماعی و معنوی بر اصالت مادی محض، در چارچوبی شفاف، علمی و مشارکتی می‌تواند توجیه‌گر اقدام به بازسازی باشد.

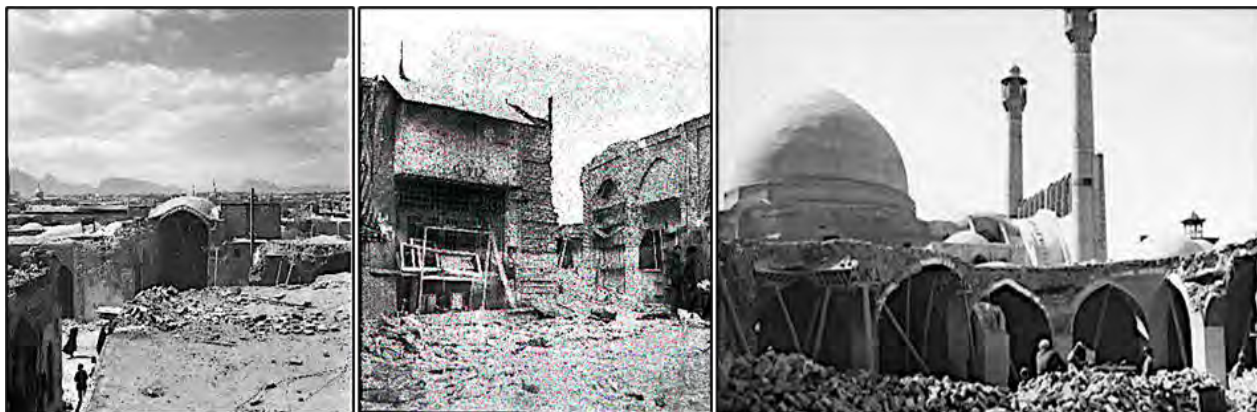
۷. مطالعات موردی: بازسازی آرایه‌های معماری در ایران فرهنگی

در این بخش، سه نمونه شاخص از پروژه‌های بازسازی در ایران فرهنگی — با تأکید بر چالش‌های اخلاقی، فنی و فرهنگی — مورد تحلیل قرار می‌گیرند. انتخاب این نمونه‌ها بر اساس تنوع در سبک معماری، نوع تخریب و رویکرد بازسازی انجام شده است.

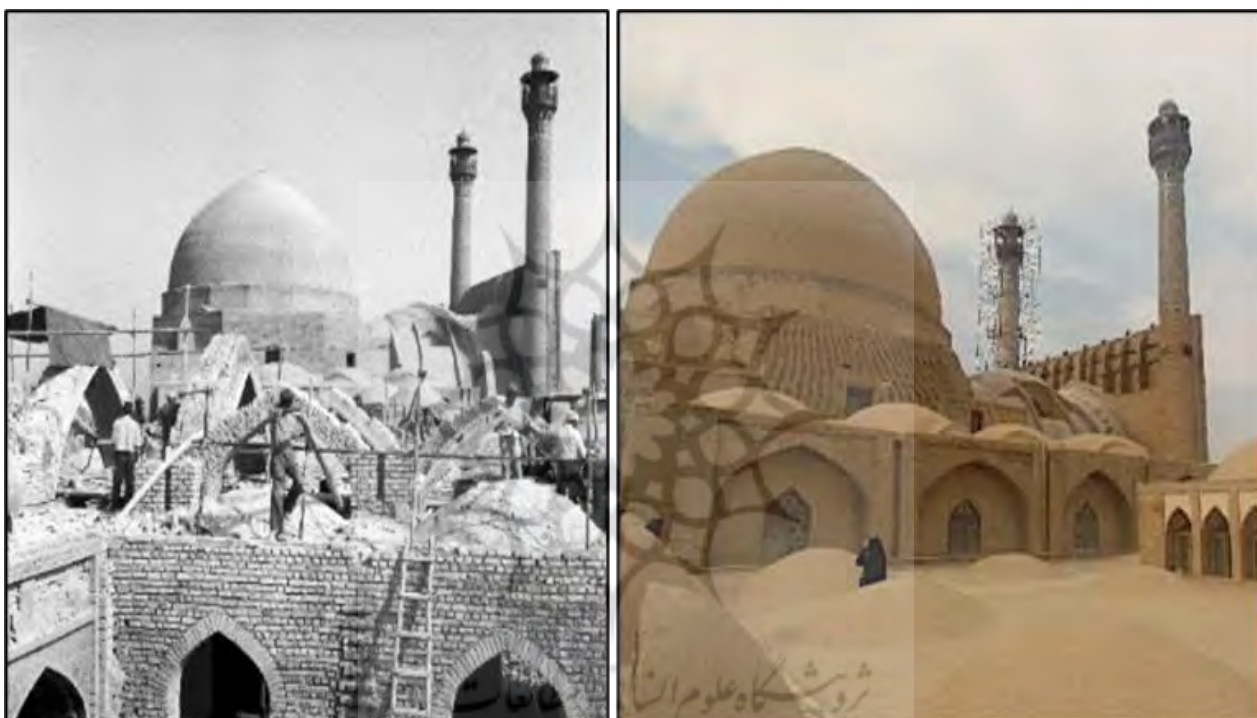
۷.۱. مسجد عتیق اصفهان (ایران): بازسازی مبتنی بر مستندات تاریخی و فنون سنتی

این مسجد که از شاهکارهای قرن دوم هجری محسوب می‌شود که شبستان جنوب شرقی و بازار مجاور آن در طول جنگ ایران و عراق مورد اصابت موشک قرار گرفت و تخریب شد (جبل عاملی، ۱۳۹۲). این بنا که در سال ۱۳۱۰ ه.ش در فهرست آثار ملی ثبت شد، در دهه ۱۳۷۰، عمدتاً بر اساس مستندات تاریخی (عکس‌های و نقشه‌های باقی‌مانده پیش از جنگ، تهیه شده توسط اوجینو گالدیری معمار و مرمتگر ایتالیایی) و با استفاده از مواد سنتی مورد بازسازی قرار گرفت (اشرفی و ابوی، ۱۴۰۳)؛ و در نهایت این مجموعه ارزشمند در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان میراث جهانی ثبت شد. اگرچه این بازسازی از نظر فنی موفقیت‌آمیز بود، اما پرسش‌های اخلاقی درباره «اصالت رنگ و بافت» و «اثرپذیری از ذائقه هنری معاصر» مطرح بود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که حتی در صورت وجود مدارک کافی، بازسازی کامل می‌تواند اصالت تجربه زیسته اثر را به چالش بکشد. در این مورد، با معیارهای چارچوب این مقاله، این بازسازی به دلیل احیاء کارکرد مذهبی — اجتماعی مسجد (اصالت کارکردی)، بازیابی یکپارچگی بصری و نقش آن در تقویت تاب‌آوری فرهنگی جامعه اصفهان، از پشتوانه اخلاقی قوی برخوردار است، حتی اگر اصالت مادی بخشهای جدید کمتر باشد.

این پروژه فراتر از یک مرمت فنی، نمونه‌ای از توازن آگاهانه بین اصالت مادی و اصالت کارکردی است. اگرچه استفاده از نقشه‌های اوجینو گالدیری پایبندی به اسناد تاریخی را تضمین کرد، اما پرسش اخلاقی اصلی درباره «ذائقه هنری معاصر» در اجرای تزئینات جدید باقی است. اگر بخواهیم این بازسازی را با توجیه اخلاقی بر پایه تاب‌آوری فرهنگی همراه کنیم، باید آن را پاسخی به یک ضرورت اجتماعی — معنوی در نظر گرفت. مسجد جامع اصفهان تنها یک بنای تاریخی نیست، بلکه کالبد زنده حیات مذهبی و اجتماعی شهر است. احیاء کامل آن، حق ارث فرهنگی جامعه اصفهان برای بهره‌مندی از این فضای معنوی را — حتی پس از جنگ — محقق ساخت؛ بنابراین، اولویت دادن به تداوم کارکرد و یکپارچگی بصری، با وجود کاهش نسبی اصالت مادی، در این بافت خاص کاملاً موجه است.



شکل ۳. تصاویر بخشه‌ای تخریب شده مسجد عتیق در جریان حمله رژیم بعثی عراق (اشرفی و ابوی، ۱۴۰۳).



شکل ۴. تصاویر (چپ) حین و (راست) بعد از مرمت بخشه‌ای آسیب‌دیده مسجد (اشرفی و ابوی، ۱۴۰۳).

۷.۲. معابد پالمیرا (سوریه): بازسازی نمادین با فناوری‌های جدید

تخریب عمدی معابد ۲۰۰۰ ساله «بعل» و «بعلشامین» توسط داعش در سال ۲۰۱۵، نمادی از جنگ علیه میراث فرهنگی بود. پروژه بازسازی این معابد با حمایت یونسکو و استفاده از فناوری اسکن و چاپ سه‌بعدی بیشتر یک اقدام نمادین بود. اگرچه این اقدام از نظر سیاسی و رسانه‌ای تأثیرگذار بود، اما منتقدان استدلال می‌کنند که بازسازی بخش‌هایی از معبد بدون پشتوانه باستان‌شناسی کافی، به «گمراه‌سازی تاریخی» دامن زده و اصالت اثر را مخدوش کرده است (Jones, 2016); اما از منظر تاب‌آوری فرهنگی، این اقدام به‌عنوان نمادی علیه خشونت و برای التیام روانی جهانیان، به شرط شفافیت کامل در معرفی بخش بازسازی‌شده به‌عنوان یک اثر جدید و نمادین، قابل دفاع است. این پروژه نمونه‌ای کلیدی برای بررسی مرز بین اخلاق حفاظت و عمل نمادین است. بازسازی طاق با فناوری چاپ سه‌بعدی، عمدتاً یک اقدام رسانه‌ای و سیاسی علیه خشونت بود.

خطر اصلی این روش، تقلیل یک اثر باستانی به یک «نماد» و ایجاد تصویری تحریف‌شده از تاریخ برای نسل‌های آینده است. توجیه اخلاقی این پروژه منوط به شفافیت مطلق است. بخش بازسازی‌شده باید به‌وضوح به‌عنوان یک نماد مدرن و نه بخشی از آثار باستانی اصلی، به بازدیدکنندگان معرفی شود. ارزش این کار نه در اصالت باستان‌شناختی که در نقش آن به‌عنوان ابزاری برای التیام روانی جمعی و اعتراض به بربریت است.



شکل ۵. شهر پالمیرا، (چپ) قبل و (راست) بعد از حمله داعش (منبع: پایگاه خبری تحلیل شوشان).

۷.۳. بازار حلب (سوریه): بازسازی کاربردی - اجتماعی

بازار تاریخی حلب که بخش‌های وسیعی از آن در جریان جنگ داخلی سوریه تخریب شد، نمونه‌ای از بازسازی کاربردی - اجتماعی است. در این پروژه، با مشارکت سازمان‌های محلی و بازاریان، تلاش شد تا نه تنها کالبد بازار، بلکه کارکرد اقتصادی - اجتماعی آن نیز احیاء شود. استفاده از مصالح بومی (سنگ آهک) و روش‌های سنتی در کنار تقویت زیرساخت‌های جدید، باعث شد تا بازار حلب علاوه بر بازیابی هویت تاریخی، به کاتالیزوری برای توسعه پایدار محلی تبدیل شود (UNESCO, 2021)؛ بنابراین به‌عنوان نمونه‌ای ایده‌آل از توجه هم‌زمان به ابعاد مختلف اخلاقی این پروژه حقوق جامعه محلی را در تعیین سرنوشت میراثشان محقق کرد، کارکرد اقتصادی - اجتماعی اصیل بازار را احیاء نمود و به تاب‌آوری شهری حلب کمک شایانی کرد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که بازسازی می‌تواند زمانی از پشتوانه اخلاقی برخوردار باشد که نیازهای جامعه میزبان را در اولویت قرار دهد. این پروژه را می‌توان الگویی موفق از بازسازی مبتنی بر جامعه محلی دانست که در آن، ابعاد فنی، اقتصادی و اجتماعی به‌خوبی تلفیق شده‌اند. استفاده از مصالح بومی (سنگ آهک) و روش‌های سنتی، نه تنها اصالت را تقویت کرد، بلکه اقتصاد محلی را نیز تحریک نمود. مشارکت بازاریان و ساکنان محلی در فرآیند بازسازی، باعث شد پروژه به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد و حس مالکیت جمعی را تقویت کند. این پروژه نشان می‌دهد که احیاء کارکرد اقتصادی - اجتماعی یک بنا، می‌تواند قوی‌ترین تضمین برای حفاظت پایدار آن باشد.



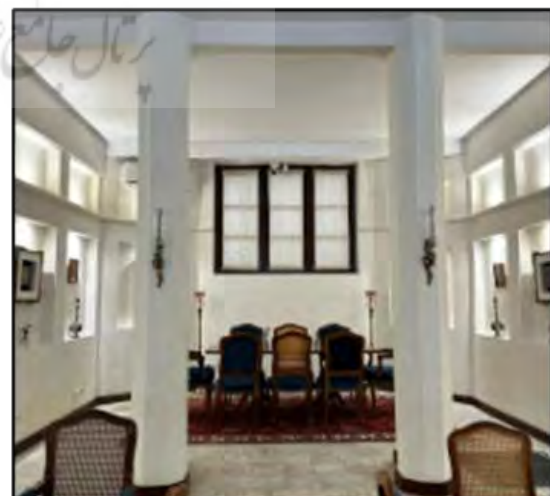
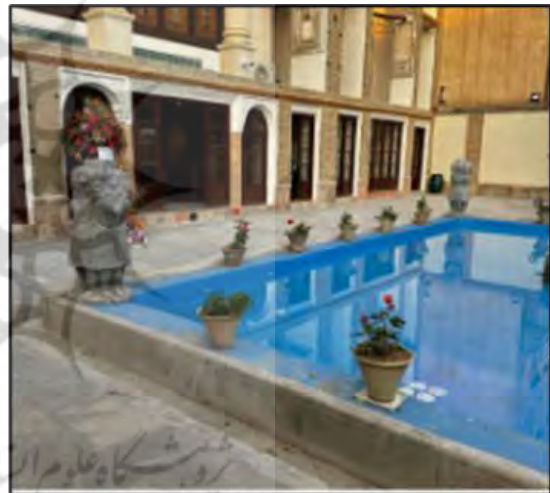
شکل ۶. تصاویر تخریب (چپ) قبل و (راست) بعد از جنگ حلب (منبع: خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا).

۷.۴. خانه امام جمعه تهران (ایران): چالش مرز بین مرمت و بازسازی

بنایی قاجاری که از نظر تزئینات داخلی (آینه‌کاری، گچ‌بری، نقاشی دیواری) کم‌نظیر است. در سال ۱۳۶۱ زمان موشکباران تهران، دچار تخریب‌هایی شد. این بنا در دهه‌های اخیر نیز مورد بی‌مهری قرار گرفته و بخش‌هایی از آرایه‌های آن تخریب شده یا آسیب‌دیده است. پروژه مرمت این خانه که همچنان در حال انجام است، با دو چالش مواجه است. اول، تعادل بین اصالت و قابلیت استفاده و دوم چالش تعادل بین بازسازی کامل آرایه‌های آسیب‌دیده و حفظ آن‌ها به‌عنوان نشانه‌ای از تاریخ پرفراز و نشیب. این مورد، پرسش‌های اخلاقی درباره مرز بین مرمت و بازسازی و حقوق نسل‌های آینده در مواجهه با میراث ناقص را مطرح می‌کند. اینکه، آیا باید آرایه‌های آسیب‌دیده به طور کامل بازسازی شوند؟ یا باید اثر را به‌صورت «آرایه‌های ناقص» به‌عنوان نشانه‌ای از تاریخ پرفرازونشیب آن حفظ کرد؟ یک راه‌حل اخلاقی می‌تواند «حفظ وضعیت موجود به‌عنوان سند تاریخی» در بخش‌هایی و «بازسازی محدود و کاملاً مستند» در بخش‌های دیگر باشد. این مورد مطالعه، معمای اخلاقی «حفظ به‌عنوان سند تاریخ» در مقابل «احیاء کالبدی کامل» را به‌خوبی نشان می‌دهد. در چنین مواردی، یک راه‌حل مبتنی بر اخلاق و مسئولیت‌پذیری، اتخاذ یک رویکرد ترکیبی است و این رویکرد شامل:

– حفظ بخشی از آسیب‌ها به‌عنوان «سند تاریخی»، به‌ویژه آن‌هایی که حامل خاطره رویدادی خاص (مانند اصابت ترکش) هستند؛ و
– بازسازی بخش‌های دیگر، با استفاده از مواد و مصالح همگون و به شیوه‌ای کاملاً مستند، به گونه‌ای که برای استحکام بخشی یا خوانش فضایی اثر ضروری است.

این رویکرد، هم به حق نسل آینده برای دریافت روایتی اصیل از تاریخ اثر پاسخ می‌گوید و هم حق نسل حاضر برای بهره‌مندی از آن را به رسمیت می‌شناسد.



شکل ۷. تصاویر (چپ) قبل و (راست) بعد بازسازی خانه امام جمعه تهران (منبع: سایت صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی)

۷.۵. تحلیل مقایسه‌ای

مقایسه نمونه‌های مطرح شده نشان می‌دهد موفقیت پروژه‌های بازسازی در گرو عواملی چون میزان مشارکت جامعه محلی، تطبیق‌پذیری روش بازسازی با ارزش‌های فرهنگی - مذهبی، شفافیت در مستندسازی و اطلاع‌رسانی و توجه به تداوم کارکردی است. بازسازی زمانی از پشتوانه اخلاقی برخوردار است که نه تنها کالبد، بلکه روح زنده اثر را احیا کند.

بنابراین می‌توان گفت که اخلاق بازسازی در هر یک از این موارد، نه در قالب‌های از پیش تعریف‌شده، بلکه در میانجیگری هوشمندانه بین ارزش‌های گاه متعارض (مانند اصالت مادی در مقابل نیاز اجتماعی) محقق می‌شود. چارچوب اخلاقی پیشنهادی مقاله، با مفاهیمی مانند «حق ارث فرهنگی» و «تاب‌آوری»، ابزار قدرتمندی برای این میانجیگری و تحلیل موارد مشابه فراهم می‌آورد.

جدول ۳. مقایسه چهار مور مطالعاتی با اشاره به عوامل کلیدی برای توجیه اخلاقی بازسازی.

مطالعه موردی	عامل کلیدی توجیه‌کننده اخلاقی	ریسک اخلاقی اصلی	راهکار تعدیل ریسک
مسجد عتیق اصفهان	تاب‌آوری فرهنگی و اصالت کارکردی	از دست دادن اصالت مادی و تجربه زیسته	مستندسازی دقیق و استفاده از فنون سنتی
پالمیرا	التیام روانی و نماد مقاومت	گمراه‌سازی تاریخی و تقلیل اثر	شفافیت کامل در معرفی اثر
بازار حلب	مشارکت جامعه و توسعه پایدار محلی	نادیده گرفتن خرده روایت‌های تاریخی	برنامه‌ریزی با محوریت ذی‌نفعان محلی
خانه امام جمعه	مسئولیت در قبال نسل‌های آینده	محو شدن مرز بین اصل و بازسازی	رویکرد ترکیبی (حفظ سندیت و بازسازی محدود)

۸. نتیجه‌گیری

این پژوهش، با واکاوی انتقادی رویکردهای رایج در بازسازی میراث معماری، نشان می‌دهد که مواضع سفت و سخت ضدبازسازی — که عمدتاً ریشه در چارچوب‌های نظری غربی دارند — برای بافت پیچیده و زنده ایران فرهنگی ناکافی و اغلب نامناسب هستند. با تحلیل نمونه‌های عینی از ایران و سوریه، استدلال کرده‌ایم که بازسازی آرایه‌های معماری در این منطقه، تحت شرایط خاص نه تنها مجاز، بلکه از نظر اخلاقی یک «ضرورت» است. این ضرورت، بیش از آنکه بر ملاحظات صرفاً زیباشناختی استوار باشد، بر تقدم ارزش‌های اجتماعی، معنوی و کارکردی در جوامعی استوار است که میراث فرهنگی‌شان کماکان جزئی زنده از حیات جمعی آنان به شمار می‌رود.

یافته‌های این پژوهش را می‌توان در چهار رکن اساسی زیر تبیین کرد که گفتمان مرسوم حفاظت را به چالش می‌کشند:

– بازسازی در مقام تداوم فرهنگی: در ایران فرهنگی، بناهای تاریخی مانند مساجد، بازارها و زیارتگاه‌ها، اجزای فعال بافت اجتماعی - اقتصادی و معنوی جامعه هستند؛ بنابراین، بازسازی آن‌ها باید نه به منزله «بازآفرینی یک اثر تاریخی»، بلکه به مثابه «احیاء یک کارکرد زنده» درک شود. این تغییر پارادایم، مستلزم بازتعریف مفاهیمی مانند «اصالت» و «یکپارچگی» در قالب «اصالت کارکردی» و «تداوم فرهنگی» است.

– اخلاق بازسازی، معادل اخلاق مشارکت: هیچ پروژه بازسازی در ایران فرهنگی بدون مشارکت فعال و آگاهانه جامعه محلی نمی‌تواند ادعای مشروعیت اخلاقی داشته باشد. حق ذی‌نفعان محلی در تعیین سرنوشت میراثشان، که در اسنادی مانند منشور شارجه (۲۰۱۹) و بسیاری از منشورهای بین‌المللی بر آن تأکید شده، باید به‌عنوان اصلی بنیادین در هر طرح بازسازی رعایت شود.

– به‌سوی یک چارچوب اخلاقی زمینه‌محور: با توجه به اشتراکات فرهنگی، تاریخی و معماری در ایران فرهنگی، این پژوهش تدوین یک «چارچوب اخلاقی منطقه‌محور» برای بازسازی را پیشنهاد می‌دهد. این چارچوب که با اصولی همچون اصالت کارکردی، حق ارث فرهنگی، شفافیت در مستندسازی و تاب‌آوری فرهنگی راهبری می‌شود، می‌تواند راهنمای عمل پروژه‌های آتی در منطقه باشد.

– بازسازی مسئولانه: تعادل جویی میان اصالت و ضرورت: در نهایت، بازسازی در ایران فرهنگی باید همواره میان دو قطب «اصالت» و «ضرورت» تعادل ایجاد کند. بازسازی گنبد مسجد عتیق اصفهان، با وجود کاستی‌هایش در اصالت مادی، به دلیل ضرورت اجتماعی - معنوی آن توجیه‌پذیر است. این پژوهش تأکید می‌کند که چنین اقداماتی زمانی از پشتوانه اخلاقی برخوردارند که با «مسئولیت‌پذیری تاریخی»، «مستندسازی شفاف و امانت‌دارانه» و «احترام به خاطره جمعی» همراه باشند.

در نهایت اینکه این مقاله با ارائه «الگوی اخلاقی عینی و زمینه‌محور» پیشنهادی، گامی اساسی در بازتعریف اخلاق مرمت در ایران فرهنگی — قابل‌تعمیم به اغلب جوامع — برمی‌دارد. نوآوری اصلی این پژوهش در شکستن قالب‌های جهان‌شمول مرمت و ترسیم مسیری اصولی و جایگزین است که بر پایه واقعیت‌های منحصر به فرد اجتماعی - فرهنگی منطقه استوار شده است.

۹. پیشنهادها برای پژوهش‌های آینده

- مطالعه تطبیقی رویکردهای بازسازی در کشورهای مختلف ایران فرهنگی (مقایسه ایران، عراق، سوریه و مصر)؛
- بررسی نقش فناوری‌های دیجیتال در بهبود دقت و شفافیت بازسازی‌های منطقه؛
- واکاوی مفهوم «حق ارث فرهنگی» از منظر فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل؛ و
- تدوین چارچوب اخلاقی برای «حق ارث فرهنگی» در بازسازی با هدف تدوین یک چارچوب عملیاتی و آزمون پذیر برای محقق کردن مفهوم «حق ارث فرهنگی» در پروژه‌های بازسازی میراث جنگ‌زده ایران فرهنگی.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ تضاد منافی را گزارش نمی‌کنند.

حمایت مالی

این پژوهش بدون دریافت حمایت مادی و معنوی انجام شده است.

دسترسی به مواد و داده‌ها

داده‌های این پژوهش از طریق مکاتبه با نویسنده قابل دسترسی خواهد بود.

استفاده از هوش مصنوعی

برای ویرایش ترجمه بخش‌های انگلیسی، ویرایش ادبی متن و نیز ارزیابی تحلیل‌های انجام شده در این مقاله از هوش مصنوعی استفاده شده است.

منابع

- اشرفی، علیرضا، و ابویی، رضا. (۱۴۰۳). واکاوی حادثه بمباران مسجد جامع عتیق اصفهان با رویکرد آسیب‌های اجتماعی - کالبدی (نمونه موردی شبستان جنوب شرقی، بازار عربان). *مطالعات نوین برنامه‌ریزی شهری در جهان*، ۵(۲)، ۱۱۰-۱۲۰. <https://upjournal.ir/fa/paper.php?pid=277>
- فلاحی، علی‌رضا، و جلالی، تارا. (۱۳۹۲). بازسازی تاب‌آور از دیدگاه طراحی شهری، پس از زلزله ۱۳۸۲ بم. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۳(۱۸)، ۱۶-۵. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2013.51313>
- جبل عاملی، عبدالله. (۱۳۹۲). تاریخ تحولات مسجد جامع اصفهان. اثر، ۳۴(۶۱)، ۲۹-۶۶. <https://journal.richt.ir/athar/article-1-53-fa.html>
- Al-Houdalieh, S. H., & Jamal, H. S. (2025). Cultural Heritage at Risk: A Critical Examination of the Armed Conflict's Impact on Archaeological Sites in the West Bank, Palestine (Post-October 2023). *Archaeologies*, 1-35. <https://doi.org/10.1007/s11759-025-09532-0>
- Ashurst, J., Ashurst, N., Wallis, G., & Toner, D. (1988). Practical Building Conservation. Vol. 4. Metals. *Gower Technical Press*, 1988, 129.
- Bülow, W., & Thomas, J. L. (2020). On the ethics of reconstructing destroyed cultural heritage monuments. *Journal of the American Philosophical Association*, 6(4), 483-501. <https://doi.org/10.1017/apa.2020.11>
- Choay, F. (2019). The Invention of the Historic Monument (1992). *Historic Cities: Issues in Urban Conservation*, 8, 294.
- Feilden, B. (2007). *Conservation of historic buildings*. Routledge.
- Forsyth, M. (Ed.). (2013). *Understanding historic building conservation*. John Wiley & Sons.
- Hosagrahar, J. (2012). *Indigenous modernities: negotiating architecture and urbanism*. Routledge.
- ICOMOS International Wood Committee. (2017). Principles for the conservation of wooden built heritage. *Delhi, India*.
- ICCROM. (2023). The Sharjah Charter for the Preservation of Islamic Architectural Heritage. 4th Arab Forum for Cultural Heritage begins in Sharjah.
- Jokilehto, J. (2017). *A history of architectural conservation*. Routledge.
- Jones, J. (2016). Palmyra must not be fixed. History would never forgive us. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/artanddesign/jonathanjonesblog/2016/apr/11/palmyra-syria-restored-3d-printers-vandalism>. policy and practice. *International Journal of Cultural Policy*, 27(1), 102-116. <https://doi.org/10.1080/10286632.2019.1696782>

- Khalaf, R. W. (2021). Continuity: A fundamental yet overlooked concept in World Heritage policy and practice. *International Journal of Cultural Policy*, 27(1), 102-116.
- Khunti, R. (2018). The problem with printing Palmyra: exploring the ethics of using 3D printing technology to reconstruct heritage. *Studies in digital heritage*, 2(1), 1-12. <https://doi.org/10.14434/sdh.v2i1.24590>
- Lowenthal, D. (1985). *The Past is a Foreign Country*. 1985. New York, New York.
- Matravers, D. (2019). The Reconstruction of Damaged or Destroyed Heritage. In *Philosophical Perspectives on Ruins, Monuments, and Memorials* (pp. 189–200). Routledge.
- Munjeri, D. (2004). Tangible and intangible heritage: From difference to convergence. *Museum international*, 56(1-2), 12-20. <https://doi.org/10.1111/j.1350-0775.2004.00453.x>
- Nakoniczna, E., & Szczepański, J. (2024). Authenticity of cultural heritage vis-à-vis heritage reproducibility and intangibility: from conservation philosophy to practice. *International Journal of Cultural Policy*, 30(2), 220-237. DOI: <https://doi.org/10.1080/10286632.2023.2177642>
- Petzet, M. (2004). Principles of preservation: An introduction to the International Charters for Conservation and Restoration 40 years after the Venice Charter.
- Stubbs, J. H. (2009). *Time honored: A global view of architectural conservation*. John Wiley & Sons.
- Harake, M. (2025). *Rebuilding with Integrity: Ethical Project Management for Post-War Public Works*.
- UNESCO. (2021). *Post-Conflict Reconstruction in the Old City of Aleppo*. UNESCO Publications. <https://chre.ir/imam-jomeh/>
- <https://www.isna.ir/news> (۱۸ بهمن ۱۳۹۲)
- <https://shooshan.ir/fa/news/> (۱۶ اسفند ۱۳۹۵)

علیمیرزایی، فاطمه (۱۴۰۴). بازشناسی اخلاق بازسازی آرایه‌های معماری در جنوب غربی آسیا: مطالعه موردی میراث پسا- جنگ در ایران و سوریه. میراث جنوب غربی آسیا، ۲(۱)، ۳-۱۴.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.549765.1007>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی